

معامله هسته‌ای آمریکا و هند: فرصت‌ها و چالش‌ها

دکتر نوذر شفیعی

عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

زهرا ماندنی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۵

چکیده

این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که معامله هسته‌ای هند و آمریکا چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای آمریکا به دنبال دارد؟ معامله هسته‌ای غیر نظامی آمریکا و هند از همان ابتدا بحث برانگیز بوده است. به رغم فرصت‌هایی که معامله مزبور برای آمریکا در پی دارد و ازان جمله می‌توان به فرصت‌های استراتژیکی مثل متوازن کردن چین، تامین منافع در جنوب آسیا، مبارزه با تروریسم و همینطور فرصت‌های اقتصادی مثل باز شدن بازارهای هند رو به تجارت و سرمایه‌گذاری‌های آمریکا اشاره کرد باید گفت این معامله با چالش‌های فراوانی هم روبرو بوده است چرا که به ممنوعیت ۳۴ ساله تجارت هسته‌ای آمریکا با هند پایان داده در حالی که هند همچنان از امضای NPT امتناع ورزیده و در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۹۸ اقدام به انجام آزمایش‌های هسته‌ای کرده است. با توجه به سابقه‌ی هسته‌ای نه‌چندان درخشان هند و نیز سیاست‌های سخت‌گیرانه آمریکا در ارتباط با مسایل هسته‌ای ضرورت بررسی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی معامله هسته‌ای آمریکا و هند بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: معامله هسته‌ای، جنوب آسیا، رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، گروه تامین‌کنندگان هسته‌ای (NSG).

مقدمه

در سه دهه‌ی اخیر تفاوت سیاست‌های هسته‌ای آمریکا و هند مشکلات زیادی را برای روابط دو کشور به وجود آورده مانعی جدی در برابر روابط دو جانبه گسترده‌تر بوده است. وضعیت هند به عنوان کشوری که پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را در سال ۱۹۶۸ امضا نکرده برای بیش از سه دهه مانع از دستیابی آن به بیشتر سوخت‌ها و مواد مرتبط با انرژی هسته‌ای در بازارهای بین‌المللی شد. آزمایش هسته‌ای هند در سال ۱۹۷۴ هم با عث ایجاد گروه تامین‌کنندگان هسته‌ای (NSG) به رهبری آمریکا شد گروهی که در واقع یک رژیم بین‌المللی کنترل صادرات در خصوص مبادلات هسته‌ای است. به علاوه واشنگتن از طریق قانون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای سال ۱۹۷۸ سختگیری‌های بیشتری را در قوانین مربوط به صادراتش اعمال کرد. در این بین دهلی نو هم برای مدتی طولانی به «آپارتاید هسته‌ای» ایجاد شده از طریق معیار دو گانه‌ای که بخش جدایی‌ناپذیر NPT به نظر می‌رسد معترض بوده است. معیار دو گانه‌ای که به اعتقاد هندی‌ها به دولت‌های خاصی اجازه می‌دهد که بازدارنده‌های هسته‌ای را به صورت قانونی به کار ببرند در حالی که دولت‌های دیگر نمی‌توانند چنین کنند.

سرانجام آمریکا بعد از سال‌ها قطع روابط و همکاری‌های هسته‌ای با هند در جولای سال ۲۰۰۵ با تغییر جهتی عمده در سیاستش طی بیانیه‌ای مشترک با هند عنوان کرد که «هند به عنوان دولتی مسئول و دارای تکنولوژی هسته‌ای پیشرفته باید از منافع و مزایای مشابه با دیگر دولت‌های مسئول و دارای تکنولوژی هسته‌ای برخوردار شود» و جورج بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا هم قول داد که برای رسیدن به هدف همکاری با هند در زمینه‌ی انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای تلاش کند. پیشنهاد این همکاری که در واقع به معنی نقض سه دهه سیاست آمریکا در رابطه با منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و نیازمند ایجاد تغییراتی در قوانین آمریکا و همینطور سیاست‌های بین‌المللی از جمله سیاست‌های NSG بود بسیار بحث‌برانگیز بوده است. برخی از اعضای کنگره آمریکا ابراز نگرانی می‌کنند که همکاری هسته‌ای غیر نظامی با هند ممکن است به این کشور اجازه دهد که پروژه‌های هسته‌ای نظامی‌اش را به پیش برد و چنین چیزی به زیان تلاش‌های گسترده‌تر آمریکا در جهت منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است.

در هند هم دولت ائتلافی اتحاد ترقی خواه متحد هند (UPA) به رهبری مان موهان سینگ نخست وزیر هند برای حدود یک سال یعنی از اواسط ۲۰۰۷ تا اواسط ۲۰۰۸ با

مخالفت‌های رهبران حزب کمونیست این کشور در مورد همکاری هسته‌ای با آمریکا روبرو بود. این در حالی بود که بسیاری مقامات ارشد هندی معتقد بودند معامله هسته‌ای غیر نظامی با آمریکا برای از میان برداشتن فشارهای وارده بر هند از طریق رژیم گزینشی، سخت‌گیرانه و مدام در حال گسترش منع انتقال تکنولوژی ضروری است و هند تنها با چرخاندن کلید هسته‌ای قادر به باز کردن دری رو به مبادلات جهانی با مصارف دوگانه و دیگر تکنولوژی‌های پیچیده خواهد بود. سرانجام تجدید ساختار سیاسی در دهلی نو در جولای سال ۲۰۰۸، UPA را در دنبال کردن معامله هسته‌ای آزاد گذاشت.

از جمله گام‌هایی که قرار شد هند در راستای این معامله یا همکاری هسته‌ای بردارد مشخص و جدا کردن تاسیسات هسته‌ای غیر نظامی و نظامی این کشور طی چند مرحله و قرار دادن تاسیسات نظامی‌اش تحت نظارت‌های بین‌المللی است که به موجب هند باید تا سال ۲۰۱۴، ۱۴ راکتور از ۲۲ راکتور حال حاضرش و همه‌ی راکتورهای غیر نظامی‌اش در آینده را تحت نظارت‌های بین‌المللی دائمی قرار دهد.

از جمله گام‌هایی که دولت وقت آمریکا در راستای همکاری هسته‌ای با هند برداشت هم می‌توان به تبدیل به قانون شدن مصوبه مطروحه در این رابطه در دسامبر سال ۲۰۰۶ که به قانون هاید (The Hyde Act) معروف شد و یا تصویب معاهده‌ی مورد نیاز این همکاری یا «معاهده‌ی ۱۲۳» توسط کنگره در اکتبر سال ۲۰۰۸ اشاره کرد. در ماه اگوست همین سال شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی توافق نامه‌ی نظارتی را با هند به تصویب رساند. گروه تامین‌کنندگان هسته‌ای هم طی نشست‌های تعدیل سیاست‌هایش به منظور معامله هسته‌ای با هند را به بحث گذاشت و در ماه سپتامبر مجوز معامله با هند صادر شد. آخرین اقدام قبل از اجرایی شدن این همکاری که در واقع همان از میان برداشتن آخرین مانع حقوقی پیش رویان بود هم در ماه اکتبر صورت گرفت زمانی که کنگره آمریکا قطعنامه مشترک تصویب معاهده‌ی ۱۲۳ را صادر کرد و لایح‌گان با امضای رئیس‌جمهور وقت یعنی جورج بوش پسر به قانون تبدیل شد (Kronstadt, 2009: 34-44).

مقاله‌ی حاضر مشتمل بر چهار بخش است: در بخش اول مشخصات کلی معامله هسته‌ای آمریکا و هند مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در بخش‌های دوم و سوم به ترتیب فرصت‌ها و چالش‌ها و بالاخره در بخش آخر نگاهی گذرا بر تاثیر روی کار آمدن دولت جدید در آمریکا بر روابط دو کشور آمریکا و هند و همکاری هسته‌ای آن‌ها خواهیم داشت.

بخش اول: مشخصات کلی معامله

معامله هسته‌ای آمریکا و هند بر تعهدات صورت گرفته توسط هر یک از طرفین بنا نهاده شده است. پیش از هر چیز آمریکا پیشنهاد کرد که به هند در توسعه‌ی برنامه‌ی هسته‌ای اش یاری رساند. بدین منظور آمریکا در رابطه با پیمان رسمی همکاری هسته‌ای که در حکم چاقوب حقوقی تجارت هسته‌ای است با هند به مذاکره پرداخت و پس از متقاعد کردن کنگره به تغییر قوانینی که مانع از تجارت هسته‌ای غیر نظامی این کشور با هند می‌شدند متعهد شد تا گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای (NSG) را متقاعد سازد تا این دسته از قوانینش که مانع از تجارت هسته‌ای با هند می‌شوند را تعدیل نماید (Levi & Ferguson, 2006:3) به موجب همین تعهد آمریکا بود که " NSG طی نشست‌های تعدیل سیاست‌های مربوط به تجارت هسته‌ای با هند را به بحث گذاشت و در سپتامبر ۲۰۰۸ مجوز تجارت با هند را صادر نمود. «به هر حال هنگامی که کلیه‌ی موانع حقوقی و سازمانی از سر راه برداشته شوند شرکت‌های آمریکایی اجازه می‌یابند که در هند به ساخت راکتورهای هسته‌ای بپردازند و برای برنامه هسته‌ای غیر نظامیان کشور سوخت هسته‌ای فراهم کنند (Pan, 2006:2) در مقابل پیشنهاد آمریکا هند هم قول داده است که به منظور کنترل صادرات حساس هسته‌ای استانداردهای بین‌المللی را رعایت کرده تسهیلات هسته‌ای نظامی و غیرنظامی‌اش را از هم جدا کند که البته فقط تاسیسات غیرنظامی‌اش مشمول همکاری هسته‌ای این کشور با آمریکا می‌شوند (Ntoubandi, 2008:275) به علاوه هند متعهد شده است که در رابطه با شیوه‌ی نظارت‌های دائمی بر تاسیسات غیرنظامی‌اش با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) مذاکره کند و به آزمایش سلاح‌های هسته‌ای هم مبادرت نورزد (Levi & Ferguson, 2006:6) علاوه بر موارد فوق کارشناسان معتقدند تعهداتی که مقامات هندی در مورد آن‌ها به آمریکا اطمینان داده‌اند مشتمل بر موارد زیر هستند:».

امضای پروتکل الحاقی که باعث می‌شود نظارت‌های دقیق‌تری از سوی IAEA بر تاسیسات غیر نظامی این کشور (هند) صورت بگیرد؛ تقویت امنیت زرادخانه‌های هسته‌ای؛ مذاکره با آمریکا در رابطه با یک معاهده‌ی ممنوعیت دسترسی به مواد قابل انشقاق؛ ممنوعیت تولید مواد قابل انشقاق برای مقاصد ساخت سلاح؛ جلوگیری از اشاعه‌ی تکنولوژی غنی‌سازی به دولتی‌هایی که دارایان تکنولوژی نیستند و در عین حال حامی تلاش‌های بین‌المللی منع تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند (Pan, 2006:7).

از نظر مقامات آمریکایی پیمان هسته‌ای پیشنهادی آمریکا به هند دارای دو هدف عمده است: اولاً بسط و توسعه همکاری‌های استراتژیک بلند مدت با هند؛ ثانياً قرارداد برنامه هسته‌ای هند تحت رژیم بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای. به عبارت دیگر حداقل دو دسته ملاحظات باعث حرکت آمریکا به سوی همکاری استراتژیک با هند می‌شوند. اول اینکه این اعتقاد وجود دارد که رابطه هند با آمریکا مهم‌ترین رابطه خارجی هند را شکل می‌دهد و «عوامل محرکه سیاست خارجی این کشور عمدتاً عبارتند از امنیت جهانی، تجارت بلند مدت، سرمایه‌گذاری و نیاز به انرژی.» هند به واسطه‌ی رشد اقتصادی پایدار و جمعیتش بعد از چین مهم‌ترین بازار برای کالاهای آمریکا به شمار می‌رود. حجم سفارشات آمریکا و هند به یکدیگر در زمینه برنامه‌های نرم افزاری کامپیوتری نشانگر میزان نزدیکی روابط تجاری هند و آمریکاست. ثانياً با خیزش چین به عنوان قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بزرگ بعدی در جهان، دولت آمریکا نسبت به برقراری مناسبات اقتصادی و استراتژیک جدید با دیگر ملل آسیا (Schaffer, 2006) و به منظور مقابله با چین در آینده احساس نیاز می‌کند و با توجه به میزان جمعیت و رشد نسبتاً سریع اقتصاد هند این کشور در زمره‌ی مناسب‌ترین و استراتژیک‌ترین انتخاب‌های سیاست‌گذاران خارجی آمریکا قرار می‌گیرد. سیاست‌گذارانی که برای آن‌ها رویکرد استراتژیک شکل دهنده‌ی یک رویکرد واقع‌گرایانه است.

در مورد قرار دادن برنامه هسته‌ای هند تحت رژیم بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نباید فراموش کرد که هند همواره از پیوستن به NPT که هدفش جلوگیری از اشاعه‌ی تسلیحات هسته‌ای است امتناع ورزیده است. این کشور به دنبال اولین آزمایش هسته‌ای‌اش در سال ۱۹۷۴ و ممنوعیت تجارت هسته‌ای آمریکا بایان طی ۳۰ سال بعد از آن آزمایش، هیچ‌گاه هیچ‌گونه سازشی را در رابطه با برنامه‌ی هسته‌ای‌اش نپذیرفته است. با وجود این بعد از انجام سری دیگری از آزمایش‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۸ تصمیم گرفت که به صورت داوطلبانه از برنامه‌های حفاظتی IAEA پیروی کند (Ntoubandi, 2008: 276) ولی باز هم صلاح دانست که بیرون از نظام NPT باقی بماند. بنابراین طبق نظر مقامات آمریکایی دومین هدف عمده‌ی همکاری هسته‌ای با هند قرار دادن هند تحت نظام NPT است.

همه‌ی اهدافی که در بالا به آن‌ها اشاره کردیم به قانون تبدیل شده‌اند. قوانینی که مقصود از آن دست یافتن به چهار هدف عمده است. این اهداف عبارتند از: تقویت همکاری بین هند و آمریکا در رابطه با مسئله انرژی، ترویج رشد اقتصادی، کمک به هند به منظور کاهش انتشار گازهای

گلخانه‌ای و بهبود محیط زیست این کشور و بالاخره ایمن نگاه داشتن آمریکا از طریق فراهم کردن زمینه‌ی پیوستن هند به تلاش‌های جهانی به منظور متوقف کردن اشاعه‌ی سلاح‌های هسته‌ای.

بخش دوم: فرصت‌ها و منافع

همان‌گونه که گفته شد معامله هسته‌ای آمریکا و هند در بر دارنده فرصت‌هایی است. این فرصت‌ها عبارتند از:

الف- فرصت‌های استراتژیک

روبرت جوزف معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور کنترل تسلیحات و امنیت بین‌الملل طی سخنانی در کمیته روابط خارجی سنا اظهار داشت: همکاری هسته‌ای غیر نظامی «از قرار معلوم بردی برای روابط خارجی ما، بردی برای امنیت انرژی و بردی برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خواهد بود.»

از نظر تاریخی نبود همکاری هسته‌ای غیر نظامی و وجود تنش در مورد این مسئله مانعی بر سر راه بسط و توسعه‌ی اعتماد لازم برای روابط نزدیک استراتژیک است. این موضوع به خصوص در مورد آمریکا و هند مصداق داشته است. البته این دو کشور از طریق انجام معامله هسته‌ای در حال پشت سر نهادن این مسئله و حذف آخرین نشانه‌های تیرگی در روابط متقابلشان هستند.

با این اتحاد هند تشویق می‌شود که به ابتکار عمل امنیتی آمریکا بپیوندد و همچنین به حمایتش از آمریکا در مقابل فعالیت‌های هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه دهد.

افزایش ظرفیت هسته‌ای در بعد غیر نظامی نیاز هند به برقراری اتحادهای گازی و نفتی با دولت‌های شروراز نظر آمریکا و به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای رو به رشد این کشور به انرژی را کاهش خواهد داد (Al Baradei, 2006:4).

در نظام بین‌الملل حال حاضر برای حل و فصل مسائل کلیدی بین‌المللی و مقابله با چالش‌های جهانی فقط اقدام یک ابرقدرت کافی نیست بلکه نوعی ائتلاف و همکاری با سایر قدرت‌های منطقه‌ای نیز همواره ضرورت دارد. ابتکار عمل انتقال سوخت و انرژی هسته‌ای غیر نظامی از آمریکا به هند با به وجود آوردن اعتماد متقابل باعث تقویت همکاری‌های استراتژیک

و تشریک مساعی در حوزه‌ی گسترده‌ای از امور می‌شود مانند: متوازن کردن قدرت رو به گسترش چین به عنوان یک قدرت نوظهور آسیایی که می‌تواند موجب تغییر در معادله قدرت در آسیا شود. تامین منافع آمریکا در منطقه جنوب آسیا و بالاخره. مبارزه با تروریسم در آسیا به عنوان فصل مشترک تهدیدات امنیتی دو کشور در فضای پس از ۱۱ سپتامبر.

به دلیل اهمیت موارد پیش گفته هر یک از آن‌ها را به طور مختصر شرح می‌دهیم ولی جایان دارد که قبل از شرح این موارد توضیح دهیم که چرا آمریکا علی‌رغم ابرقدرت و هژمون بودن ناگزیر از همکاری با قدرت‌های منطقه‌ای همچون هند است.

حرکت به سوی جهان چند قطبی و لزوم همکاری با قدرت‌های منطقه‌ای

به دلیل افزایش تعداد کشورهای پیشرفته و پراکندگی قدرت در مناطق مختلف جهان روند نظام بین‌الملل به سمت چند قطبی شدن و افزایش اهمیت قدرت‌های منطقه‌ای است. اگر کمی دقیق‌تر به دنیای در حال تغییر امروز نگاه کنیم می‌بینیم که اولین نشانه‌های دنیای جدید حرکتان به سوی چند قطبی شدن است. البته مسئله سقوط یا اضمحلال آمریکا نیست. (فوکویاما، ۱۳۸۸) در جهان امروز آمریکا بزرگ‌ترین قدرت است و تا مدت‌ها نیز بزرگ‌ترین قدرت خواهد بود. آمریکا سالانه بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار در امور نظامی و بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار برای عملیاتش در عراق و افغانستان هزینه می‌کند. اقتصاد آمریکا با حدود ۱۴ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا به شمار می‌رود. همچنین آمریکا منبع مهم محصولات فرهنگی، اطلاعات و فناوری است ... اما واقعیت توان آمریکا نباید تنزل نسبی موقعیت و جایگاهان در جهان را پنهان کند. به عنوان مثال اگرچه تولید ناخالص داخلی آمریکا حدود ۲۵ درصد کل جهان است اما این درصد به شدت در حال کاهش است و نرخ رشد غول‌های آسیایی و برخی کشورهای دیگر ۲ تا ۳ برابر رشد آمریکاست. قدرت آمریکا هم در مقابل قدرت برخی کشورهای دیگر کمتر شده است. چین ثابت کرده است که بیشترین توانایی را برای نفوذ در برنامه هسته‌ای کره شمالی دارد. توانایی آمریکا برای فشار به تهران با مشارکت چند کشور اروپای غربی تقویت و در عین حال با بی‌میلی چین و روسیه برای مجازات ایران تضعیف شده است. جنگ با عراق و افغانستان سبب شده که موقعیت مالی آمریکا از یک مازاد

۱۰۰ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۱ به یک کسری حدوداً ۲۵۰ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۷ کاهش پیدا کند. جنگ عراق در واقع به تضعیف موقعیت آمریکا در جهان کمک کرده است. (هاس، ۱۳۸۸) این در حالی است که بقیه دنیا در حال بالا کشیدن خود هستند و فاصله‌ی خود را با آمریکا کاهش خواهند داد. روسیه، چین، هند و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس همه در حال رشد هستند در حالی که آمریکا دوران رکود را طی می‌کند. این یکی از نشانه‌های تغییر جهان نسبت به دوران برتری مطلق آمریکاست. (فوکویاما، ۱۳۸۸).

با توجه به آنچه گفته شد نوعی بازنگری در استراتژی‌های آمریکا ضروری به نظر می‌رسد. سری جدید استراتژی‌های آمریکا باید با ارزش‌های بنیادین ملت آمریکا سازگار بوده امکان دستیابی به اهداف این کشور را در نظامی جهانی که در دهه‌های پیش رو پدیدار خواهد شد فراهم نماید. آمریکا هر چند که تا دهه‌های آینده همچنان قدرتمندترین قدرت خواهد بود ولی باید خود را برای جهانی چند قطبی آماده کند که در آن تنها هژمون نیست بلکه یکی از چند قدرت بزرگ است. بدین ترتیب لازم است که آمریکا به خاطر منافع امنیتی با دیگر قدرت‌های بزرگ همکاری کند خواه این همکاری در قالب عضویت در یک کنسرت قدرت‌های بزرگ باشد یا از طریق اتحاد علیه قدرت یا قدرت‌های مهاجم. در واقع همکاری با متحدان قدرتمند در دفاع از جهانی امن در گذشته برای آمریکا نتیجه بخش بوده و می‌تواند در آینده هم نتیجه بخش باشد. بنا به گفته ج. جان ایکنبری و چارلز ا. کویچان آمریکا باید در جهت جریان توزیع قدرت در جهان حرکت کند نه برخلافان. همانطور که سال‌های این قرن را پشت سر می‌گذاریم از دامنه‌ی تفوق و برتری آمریکا هم کاسته می‌شود و هدف نهایی آمریکا باید این باشد که با مراکز در حال ظهور قدرت به مشارکت و همکاری بپردازد. (Lind, 2008: 48-55)

بنابراین در نظام بین‌الملل حال حاضر «برای حل و فصل مسائل کلیدی بین‌المللی و مقابله با چالش‌های جهانی نه فقط اقدام یک ابرقدرت که نوعی ائتلاف با سایر قدرت‌های منطقه‌ای نیز همواره ضرورت دارد.» از این منظر آمریکا هم علی‌رغم ابرقدرت بودن و برتری داشتن در زمینه‌های نظامی، اقتصادی و تکنولوژیک بدون همکاری با قدرت‌های عمده نمی‌تواند مسائل امنیتی جهان را حل کند. در واقع محدودیت‌ها و نارسایی‌های قدرت هژمونی آمریکا در مقابله با چالش‌های نوظهور جهانی باعث شده تا آمریکا به همکاری با قدرت‌های سطح دوم نظام معاصر نظیر هند ترغیب شود.

متوازن کردن چین

مقامات آمریکایی از بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در استراتژی‌های امنیتی ملی‌شان خود را به عنوان یک قدرت منحصر به فرد با توانمندی‌های نظامی غیر قابل انکار توصیف کرده‌اند و دیگر قدرت‌های بزرگ را یا به عنوان کشورهای دیده‌اند که همسو با جایگاه سیاسی آمریکا عمل خواهند کرد و یا به عنوان رقبایی احتمالی که آمریکا برای تقویت موقعیت هژمونیک خود الویت را به حذف آن‌ها داده است. (افگیل و موسادلو، ۱۳۸۸) در میان قدرت‌های بزرگ چین کشوری است که چالش بزرگی را برای موقعیت آمریکا به عنوان ابرقدرت جهان به وجود می‌آورد. (Narayanan, 2007) اقتصاد چین در حال رشد بسیار سریعی است. در حال حاضر چین سومین اقتصاد بزرگ جهان است. میزان رشد اقتصادی این کشور سالانه حدود ۹ درصد است و ۱۳ درصد تولید جهانی را در اختیار دارد. چین به شدت در آسیا، کشورهای آمریکای لاتین و همچنین در آمریکا سرمایه‌گذاری می‌کند و ذخایر دلاری این کشور بالغ بر ۱۷۴/۶ میلیارد دلار است (افگیل و موسادلو، ۱۳۸۸) به علاوه در استراتژی توسعه ملی چین، رشد اقتصادی از جایگاه اساسی در تقویت قدرت ملی برخوردار است به طوری که رشد اقتصادی زمینه‌های مدرنیزه کردن نظامی این کشور را نیز فراهم خواهد ساخت. مدرنیزه کردنی که از نظر آمریکا صبغه ضد هژمونی آمریکایی دارد. در حقیقت ظهور چین به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در دو دهه اخیر پیوسته موجب بازنمایی موقعیت استراتژیکان در سطوح منطقه‌ای و جهانی شده است بازنمایی که نگرانی بازیگران مختلف و به خصوص قدرت‌ها را فراهم آورده است و آمریکا بیش از سایرین در این نگرانی سهیم است. همین موضوع یکی از عوامل نزدیکی آمریکا به هند است. (شفیعی، ۱۳۸۷).

به عبارت دیگر هندی‌ها امروزه در کانون توجه مقامات آمریکا قرار گرفته‌اند و از هند امروز به عنوان شریک استراتژیک ایالات متحده در منطقه و عامل مهار چین یاد می‌شود. (افگیل و موسادلو، ۱۳۸۸) آمریکا با نزدیکی به هند می‌کوشد از شکل‌گیری محور شرق جلوگیری کرده مانع از بهم خوردن توازن قوای استراتژیک در آسیا توسط چین شود. موازنه‌ای که با رشد سریع و مداوم چین، بر هم خوردن آن در آینده محتمل به نظر می‌رسد. (شفیعی، ۱۳۸۷).

تامین منافع آمریکا در جنوب آسیا

در دهه‌های گذشته هند چندان مورد توجه آمریکا نبود و در صورت توجه هم فقط در بافت بسیار محدودی از جنوب آسیا و در رابطه با مسئله‌ی کشمیر و روابط این کشور با پاکستان

مورد توجه قرار می‌گرفت. ولی به دنبال رشد اقتصادی سریع این کشور، سرمایه‌گذاری‌های آن در آمریکا و حضور یک جامعه‌ی بزرگ از هندی‌تبارها در آمریکا دیدگاه‌ها نسبت به این کشور تغییر کرده است (Feigenbaum, 2009) و با امضای توافقنامه هسته‌ای میان آمریکا و هند جای تردید باقی نمانده که در جنوب آسیا هند به اولویت سیاست خارجی آمریکا و تک قطب سازه ژئوپولیتیکی جنوب آسیا تبدیل شده است. در واقع هند از یک «غیر متعهد طرفدار بلوک شرق» در دوره‌ی جنگ سرد به یک «شریک استراتژیک» در دره‌ی بعد از جنگ سرد در روابطش با آمریکا تبدیل شده است. (شفیعی، ۱۳۸۷) در حال حاضر نه تنها به هند به عنوان یک قدرت در جنوب آسیا بلکه به عنوان قدرتی در حال ظهور در کل آسیا نگریسته می‌شود. (Feigenbaum, 2009) هیچ بازی بزرگی در آسیا بدون نقش افرینی فعالانه هند نمی‌تواند به پیروزی منجر شود. در حال حاضر آمریکا در شرایطی قرار دارد که به خاطر ناکامی‌هایش در عراق و افغانستان جایگاهش به عنوان ابرقدرت جهان با چالش روبرو شده است و متحدان سنتی آمریکا که عمدتاً از اعضای ناتو هستند هم با به راه انداختن بازی قدرت باعث تشدید این چالش‌ها شده‌اند. به علاوه آمریکا در برنامه‌هایی که دنبال می‌کند به طور فزاینده‌ای با مقاومت‌های چین و روسیه روبروست. در این میان اتحاد با هند می‌تواند ایجادکننده‌ی یک حامی و پشتیبان برای سیاست‌های آمریکا در قاره‌ی آسیا باشد. با پیوستن هند به آمریکا موازنه‌ی قوا در آسیا به نفع آمریکا تغییر می‌کند زیرا در کنار هم قرار گرفتن آمریکا و هند به همراه ژاپن و استرالیا به عنوان کشورهای دموکراتیک باعث عقب راندن چین خواهد شد. (Singh, 2007) به علاوه از آنجا که افزایش منافع هژمون چه در سطح منطقه‌ای و چه جهانی از طریق مشارکت با قدرت‌های سطح دوم نظام معاصر در جهت حل مسائل جهانی امکانپذیر است لذا آمریکا از طریق همکاری با هند به عنوان یک قدرت سطح دوم می‌تواند علیه رقبای آینده عمل کند. (شفیعی، ۱۳۸۷).

مبارزه با تروریسم

«در بهار سال ۲۰۰۰ وزارت خارجه آمریکا در گزارشی اعلام کرد که گروه‌های مخالف منافع، ارزش‌ها، تفکرات و سیاست‌های آمریکا که این کشور از آنان به عنوان تروریست‌ها یاد می‌کند دیگر در خاورمیانه متمرکز نمی‌باشند و به جهت شکل‌گیری شرایط محیطی مناسب‌تر در جنوب آسیا، در این منطقه متمرکز شده‌اند.» (دهشیار، ۱۳۸۲: ۳۹۲) به دنبال حوادث ۱۱

سپتامبر، آمریکا متوجه می‌شود که باید نسبت به این حوزه از جهان تجدید نظر کند و مسلمانان افغانستان و پاکستان و تأثیرات افراط‌گرایی بر صلح و امنیت بین‌المللی توجه آمریکا را به جنوب آسیا جلب می‌کند. (ملاحی، ۱۳۸۷) بنا به گفته‌ی ریچارد بوچر معاون وزارت امور خارجه آمریکا در امور جنوب و مرکز آسیا، آمریکا در تمامی منطقه جنوب آسیا سیاستی منسجم مبتنی بر ترویج ثبات دموکراتیک جهت مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی را در پیش می‌گیرد. (کلر هالز، ۱۳۸۸) در این مبارزه پاکستان به عنوان مرکز آموزش و سرچشمه تروریسم جهانی تشخیص داده می‌شود. با درک این نکته از سوی آمریکا که پاکستان مانعی است بر سر راه ایجاد دموکراسی در افغانستان و تبدیل شدن پاکستان به خط مقدم جبهه در جنگ آمریکا علیه تروریسم، اتفاق نظری بین آمریکا و هند راجع به مسئله‌ی تروریسم به وجود می‌آید. (Narayanan, 2007).

در واقع هند از اولین کشورهایی بود که از سیاست مبارزه با تروریسم آمریکا حمایت کرد (دهشیار، ۴۰۳:۱۳۸۲) به طوری که این سیاست به یکی از علل همپوشی منافع استراتژیک و فصل مشترک تهدیدات امنیتی دو کشور تبدیل شد؛ زیرا هر دو کشور فعالیت‌های گروه‌های اسلامی مبارز در افغانستان و سرزمین‌های تحت کنترل پاکستان را به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی خود قلمداد کرده متفقا به جبهه مشترکی علیه پاکستان سوق یافتند تا حمایت خود را از این گروه‌ها قطع کند.

می‌توان گفت خیزش تروریسم در آسیا اهمیت این منطقه را در آینده آمریکا دو چندان کرد. این خود باعث شد تا اهمیت هند به عنوان یک نیروی با ثبات در این منطقه که یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان است و منافع ناشی از همکاری با هند جهت مقابله با چالش‌های مشترک و ایجاد صلح پایدار در منطقه بیش از پیش مورد توجه آمریکا قرار گیرد. در واقع آمریکا از طریق انعقاد معاهده هسته‌ای با هند عهده دار یک تحول کامل در روابط دو جانبه اش با هند شد و بر مبنای اعتقاد راسخ به اینکه مصالح آمریکا یک رابطه‌ی محکم با هند را ایجاد می‌کند امروزه با یک نگرش جدید به هند به عنوان یک قدرت جهانی رو به رشد که با هم منافع مشترکی دارند می‌نگرد. (شفیعی، ۱۳۸۷).

ب- فرصت‌های اقتصادی

اقتصاد یکی از ابعاد حیاتی امنیت ملی است و از میان برداشتن موانع پیش روی همکاری

آمریکا با هند در زمینه توسعه‌ی هسته‌ای غیر نظامی تامین کننده‌ی منافع اساسی برای هر دو کشور در بعد اقتصادی است.

هند برای دستیابی به هدف وزارت انرژی اتمی این کشور مبنی بر تولید ۲۰۰۰۰ مگاوات برق از طریق راکتورهای هسته‌ای تا سال ۲۰۲۰ به نیروگاه‌های اتمی بیشتری نیاز خواهد داشت. به منظور ایجاد این نیروگاه‌ها حجم صادرات از آمریکا به هند تقریباً ۲۵ میلیارد دلار خواهد بود که باعث ایجاد هزاران هزار شغل در آمریکا خواهد شد. بنابر محاسبات پرایس واتر هاوس کوپر در سال ۲۰۰۲ هر یک میلیارد دلار صادرات باعث ایجاد ۱۱۰۰۰ شغل در سال می‌شود. بنابراین ۲۵ میلیارد دلار صادرات باید باعث ایجاد ۲۷۵۰۰۰ شغل در سال یا به عبارتی ۲۷۵۰۰۰ شغل در ظرف ۱۰ سال شود (Raman, 2009).

تقویت همکاری‌های استراتژیک آمریکا و هند با برطرف کردن نگرانی‌هایی که از تحریم هسته‌ای ناموفق هند در گذشته به وجود آمده بود راه کمپانی‌های آمریکایی را به صنعت تهیه تدارکات دفاعی هند که سالانه ۱۲ میلیارد دلار هزینه صرفان می‌شود باز می‌کند.

یک اتحاد گسترده‌تر و عمیق‌تر همچنین می‌تواند به طور کلی به روند خصوصی سازی، حذف نظارت‌های دولتی و باز شدن بازارهای هند رو به تجارت و سرمایه گذاری‌های آمریکا سرعت ببخشد. این اتحاد می‌تواند باعث تسهیل در امر از میان برداشتن محدودیت‌های بیمه، بازنشستگی، بانکداری و محدودیت‌های زیر ساخت‌های اقتصادی شود که تنها در رابطه با مورد آخر تخمین زده می‌شود که حدود یک تریلیون دلار برای آمریکا درآمد داشته باشد.

هند و آمریکا در رابطه با اقتصاد بازار آزاد اهداف مشترکی دارند. هند در کنار گذاشتن سوسیالیسم با هدف اقدام در جهت خصوصی سازی و حذف نظارت دولت ثابت قدم است. این سیاست‌های بازار آزاد که رو به رشد هم هستند در سال ۲۰۰۴ رشد تولید ناخالص ملی هند را به ۸/۵ درصد رساندند.

در حال حاضر هند (بر اساس قدرت خرید) دارای چهارمین اقتصاد بزرگ در جهان است و انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۳۸ از ژاپن پیشی بگیرد. تمهیدات اندیشیده شده در هند برای تولید برق کافی در واقع موتور محرکه‌ای برای اقتصاد این کشور خواهد بود و انتظار می‌رود که همکاری هسته‌ای غیر نظامی آمریکا و هند منجر به ایجاد نیروگاه‌های بیشتر، تولید برق کافی و افزایش رشد اقتصادی این کشور شود.

ج- تقویت رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

اعتقاد بر این است که همکاری هسته‌ای غیر نظامی آمریکا و هند با رساندن هند به حد استانداردهای بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای باعث پیشبرد اهداف معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خواهد شد. به همین دلیل است که دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی محمد البرادعی بر همکاری هسته‌ای غیر نظامی آمریکا و هند صحنه می‌گذارد. این همکاری در موارد زیر باعث می‌شود که جهان به مکان امن‌تری تبدیل شود:

۱- قرار گرفتن ۱۴ مورد از تاسیسات هسته‌ای هند که غیر نظامی تشخیص داده شده‌اند تحت نظارت‌های دائمی IAEA

۲- ادامه تعلیق آزمایش‌های هسته‌ای هند.

۳- کنترل صادرات هند در راستای استانداردهای گروه تامین‌کنندگان هسته‌ای و رژیم کنترل تکنولوژی موشکی و بالاخره شرکت هند در مذاکرات معاهده ممنوعیت دسترسی به مواد قابل انشقاق.

قانون انرژی اتمی سال ۱۹۵۴ که به طور کلی اصلاح شد صادرات هر گونه تکنولوژی هسته‌ای از آمریکا به کشورهایی که طبق NPT دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای نیستند واز بعد از ۱۰ مارس ۱۹۷۸ به آزمایش هسته‌ای مبادرت ورزیده‌اند و کلیه ی تاسیسات هسته‌ای‌شان را تحت نظارت‌های IAEA قرار نداده‌اند، ممنوع کرده بود و یکی از این کشورها هند بود. چنین قوانینی از تعهدات NPT فراتر می‌روند چرا که NPT "حق مسلمی" «را برای استفاده از انرژی اتمی برای مقاصد صلح آمیز مورد شناسایی قرار می‌دهد (بند IV) و مقرر می‌دارد که تا هنگامی که مواد هسته‌ای به منظور جلوگیری از هر گونه انحرافی در جهت بکارگیری آن‌ها برای مصارف نظامی تحت نظارت‌های بند NPT III باشند می‌توان حتی برای کشوری که در بیرون از مجموعه‌ی پنج قدرت هسته‌ای دوزور NPT قرار دارد مواد هسته‌ای فراهم نمود.»

در اصلاحات سال ۱۹۷۸ AEA عنوان شده «باید توجه نمود که توانایی تولید یا به عبارتی دستیابی به بمب هسته‌ای با تکثیران یکسان نیست و تولید و دستیابی را نباید برای توضیح تکثیر به کار برد. «هند از جمله کشورهایی است که سابقه‌ای در تکثیر و اشاعه ی سلاح‌های هسته‌ای به دیگر کشورها ندارد. به علاوه همکاری هسته‌ای غیر نظامی آمریکا و هند با سیاست‌های عنوان شده در اصلاحات سال ۱۹۷۸ AEA انطباق دارد. (به خصوص با سیاست‌های جلوگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، تایید آمریکا به عنوان یک تامین کننده ی

قابل اعتماد، کمک به دیگر کشورها در رابطه با تکنولوژی هسته‌ای و جلوگیری از الودگی های ناشی از پس مانده‌ای هسته‌ای).

مقصود NPT پیشبرد هدف عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای است البته نه به قیمت خاتمه‌ی کار زرادخانه‌هایی مثل زرادخانه‌های آمریکا و هند که به صورت بومی ایجاد شده اند. این معاهده همچنین همکاری هسته‌ای غیر نظامی با هند را در رابطه با تاسیساتی از این کشور که تحت نظارت هستند ممنوع نمی‌کند.

با توجه به موارد بالا و با توجه به سخنان شی‌ام ساران وزیر امور خارجه هند به نظر نمی‌رسد که هند در پی تکثیر سلاح‌های هسته‌ای باشد یا همکاری با هند باعث تضعیف رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شود. شی‌ام ساران اظهار داشت: «هند مایل به ظهور هیچ دولت دارای تسلیحات هسته‌ای دیگری به خصوص در همسایگی‌اش نیست و در رابطه با تکنولوژی‌های مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی ما نمی‌توانیم هیچ گونه مخفی کاری را مشروع قلمداد کنیم. ما معتقدیم که همه‌ی دولت‌ها باید به تعهداتشان به موجب معاهدات و ابزارهای بین‌المللی پایبند بوده علاوه بران در انجام تعهداتشان شفافیت را رعایت نمایند.» (Al Baradei, 2006:5-7).

بخش سوم: چالش‌ها و خطرات

معامله هسته‌ای آمریکا و هند به رغم فرصت‌ها و منافعی که برای آن‌ها به ویژه آمریکا دارد، مشکلات و چالش‌هایی را نیز برای آن‌ها و نظام بین‌الملل به همراه دارد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- تشویق چین به اقدام مشابه

معامله هسته‌ای آمریکا با هند می‌تواند در آینده سرمشقی برای چین و باعث لطمه زدن به تلاش‌های آمریکا در جهت تحدید و متوازن کردن قدرت چین شود. همانگونه که آمریکا به دنبال استفاده از هند برای متوازن کردن قدرت چین است چین هم می‌تواند برای متوازن کردن قدرت آمریکا به محرک‌های مشابهی متوسل شود. همانطور که می‌دانیم پاکستان بدون کمک‌های فراوان چین نمی‌توانست تسلیحات هسته‌ای بدست آورد. چین همچنین در دهه ۱۹۹۰ به برنامه‌ی هسته‌ای ایران کمک‌های فراوانی کرد که از آن جمله می‌توان به طرح‌های دقیق و تجهیزاتی برای تاسیسات تبدیل و تغییر اورانیوم در اصفهان اشاره کرد. درست است که آمریکا می‌تواند از تقاضاهای پاکستان و ایران مبنی بر این که با آن‌ها هم مانند هند رفتار شود

جلوگیری کند ولی چین قدرتمندتر از این کشورهاست و با موقعیتی که در شورای امنیت و گروه تامین کنندگان هسته‌ای دارد می‌تواند راه را برای کمک به دوستانش در زمینه هسته‌ای باز کند. بدین ترتیب ممکن است در آینده شاهد رقابت شدید آمریکا و چین برای ایجاد همکاری‌های هسته‌ای در خاورمیانه و شمال شرق آسیا باشیم.

ب- تشویق دولت‌های غیر هسته‌ای به هسته‌ای شدن.

معامله هسته‌ای آمریکا با هند بر دیگر دولت‌هایی که ممکن است به دنبال سلاح‌های هسته‌ای باشند تاثیر می‌گذارد. دولت‌های قادر به تولید سلاح‌های هسته‌ای از معامله آمریکا با هند به این نتیجه می‌رسند که آن‌ها هم می‌توانند رفته رفته از زیر بار مسئولیت‌ها و تعهداتشان شانه خالی کنند و مطمئن باشند که آمریکا و دیگران به تدریج همانند هند خواسته‌های آن‌ها را هم مد نظر قرار داده قبول خواهند کرد. بدین ترتیب باید انتظار داشته باشیم کشورهایی چون ژاپن، کره جنوبی، اندونزی و شاید ترکیه و مصر احتمالاً در جهت بدست آوردن تاسیسات تولید مواد قابل انشقاق گام بردارند. بدین ترتیب کمک به هند بیشتر باعث افزایش احتمال انحراف دولت‌ها به سوی ساخت سلاح‌های هسته‌ای خواهد شد تا باعث کاهش احتمال انحراف آن‌ها. اگر دولت‌های شمال شرق، جنوب شرق و جنوب غرب آسیا اشکارا در جهت دستیابی به توانایی‌های ساخت سلاح‌های هسته‌ای حرکت کنند انگاه آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین قدرت جهان با چالشی سخت روبرو خواهد شد؛ چرا که به گفته‌ی هنری کسینجر «اداره‌ی یک جهان مسلح به سلاح‌های هسته‌ای بسیار پیچیده‌تر از حفظ توازن بازدارنده‌ی دو ابرقدرت جنگ سرد است.» (Perkovich,2005b:3-5)

ج- تضعیف رژیم‌های امنیتی بین‌المللی

معامله آمریکا و هند علاوه بر افزایش احتمال چالش‌های سخت‌تر توازن قوا، منجر به تنزل جایگاه نهادها و قوانینی می‌شود که برای یک مدل امنیتی همکاری، حیاتی و برای مدلی که در آن آمریکا قدرتی تک قطبی است مفید می‌باشند. یک قدرت تک قطبی برای تشخیص بازیگرانی که به زیانش هستند و همینطور بدست آوردن حمایت برای تلاش‌هایش در جهت تحت کنترل گرفتن آن‌ها به قانون نیاز دارد. (Perkovich,2005a:1-4) بدون قوانینی که به صورت بین‌المللی بر سران‌ها توافق شده باشد و به صورت بین‌المللی هم قابل اجرا باشند نمی‌توان مواد هسته‌ای را از دسترس تروریست‌ها دور نگه داشت، نمی‌توان دلالان بازارهای

سیاه هسته‌ای را کشف کرده جلوی آن‌ها را گرفت یا آن‌ها را مجازات نمود. نمی‌توان مانع از ساخت بمب هسته‌ای توسط کره شمالی شد یا ایران، مصر و عربستان سعودی و دیگر کشورها را از حق برخورداری از انرژی هسته‌ای محروم ساخت. در حقیقت در جهان امروز حتی یک قدرت تک قطبی هم نمی‌تواند به تنهایی بیشتر مسائلی که واقعا تهدیدی به رایش به شمار می‌آیند را حل کند لذا به تقویت قوانین مناسب و متقاعد کردن بازیگران دیگر به پذیرفتن این قوانین نیاز دارد. بدون یک سیستم قانونمدار ممکن است که بسیاری از دولت‌ها به دنبال سلاح‌های هسته‌ای بروند و چنین چیزی باعث بی‌ثباتی سیستم بین‌المللی می‌شود که در حال حاضر بیش از هر دولت دیگری به نفع ایالات متحده آمریکا است. البته قوانین را نمی‌توان به اراده‌ی خود به دیگران تحمیل کرد تعداد بسیار زیادی از کشورها و کارگزاری‌های بین‌المللی بیش از آنکه بر اجرای قوانین متمرکز شوند بر بحث و مذاکره در موردان قوانین متمرکز می‌شوند. در نتیجه بازیگرانی که سوئی قصدی در سر دارند می‌توانند ظرفیت‌هایی بدست آورند و از طریق آن از تعهداتشان مینی بر اینکه به دنبال سلاح‌های هسته‌ای نیستند تخلف کنند. با این وجود واکنش مناسب در برابر اجرای نامناسب قوانین، ترک قوانین یا دائمی مراقب نحوه‌ی اجرای آن‌ها بودن نیست. تنها راه حلی که می‌تواند در بلند مدت دوام یابد بده بستان، اقناع و اعمال نفوذ برای متقاعد کردن دیگر دولت‌ها به منظور به کار انداختن سیستم قانونمدار است راه حلی که به نظر می‌رسد آمریکا تا حدودی آن را کنار گذاشته است زیرا تقاضاهای کشورهای ضعیف‌تر برای معامله متقابل یا اموری که قدرتش را محدود می‌کنند را رد می‌کند.

د- تسهیل تکثیر سلاح‌های هسته‌ای

معامله هسته‌ای با هند حتی اگر این کشور NPT را امضا کرده یا کاملاً پایبند به منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای باقی بماند باز هم خطراتی در رابطه با تکثیر سلاح‌های هسته‌ای به وجود می‌آورد. همه ذخایر مواد اتمی و همه دولت‌هایی که چنین مواد و مهارت‌های فنی مرتبط بایان را در اختیار دارند به وجود آورنده خطراتی در رابطه با تکثیر تسلیحات هسته‌ای هستند. حتی اگر همه ذخایر کاملاً در جای امن نگهداری شوند و از آن‌ها محافظت شود که در واقع اینطور نیست باز هم ذخایر سلاح‌های هسته‌ای و مواد ساخت بمب در یک کشور باعث می‌شود در دیگر کشورها هم تمایلی برای بدست آوردن آن‌ها به وجود آید به خصوص که آن کشورها در مناطق بحران خیزی باشند که رقابت در آن‌جا شدید است مثل منطقه‌ی جنوب آسیا.

و- امنیت محوری به جای اقتصاد محوری

بنابر معامله هسته‌ای آمریکا و هند اولویت‌های استراتژیک برعکس شده‌اند. در حالی که توسعه‌ی اقتصادی مهم‌ترین عامل تعیین کننده قدرت و ثبات هند است (همان‌طور که مهم‌ترین شاخصه‌ی قدرت چین هم هست) چارچوب استراتژیک معامله آمریکا و هند پیشنهاداتی انجمنی برای تقویت قابل توجه چشم اندازه‌ی اقتصادی هند ندارند.

بیشتر ناظران احساس می‌کنند شدیدترین چالش سیاسی اقتصادی‌ای که چین برای آمریکا، هند و دیگر کشورهای در حال توسعه به وجود می‌آورد رقابت اقتصادی است تا رقابت نظامی. بنابراین در راستای متوازن کردن چین هم که شده بیشترین حمایت استراتژیک آمریکا از هند باید در بعد اقتصادی باشد. از این نظر تولید، توزیع و کافی بودن انرژی امری حیاتی است. انرژی هسته‌ای عنصری مهم در استراتژی بلند مدت هند در رابطه با انرژی است ولی توسعه این انرژی در بهترین حالت ممکن گران و نامطمئن خواهد بود. همچنین ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای در هند به کمک‌های خارجی، اصلاح قیمت‌ها و اصلاحات اداری و زیربنایی نیاز خواهد داشت. بدین ترتیب برای برآوردن نیازهای هند به انرژی باید توجه بیشتری به ابزارهای سریع‌تر و کارآمدتر معطوف شود. ولی آمریکا برعکس سعی دارد مانع از یک راه بسیار با صرفه برای ورود گاز طبیعی به هند از طریق خط لوله‌ی زمینی از ایران و از راه پاکستان شود.

ه- نگاه ابزاری به جای نگاه ارزشی

ظرفیت هند در و تمایلان به همکاری با آمریکا در جهت متوازن کردن قدرت چین نامشخص‌تر از آن است که بتواند بنیان یک همکاری استراتژیک را شکل دهد. آمریکا باید به جای متوازن کردن قدرت چین همکاری‌اش با هند را بر مبنای افزایش توسعه‌ی سیاسی اقتصادی جمعیت یک میلیاردی هند دموکراتیک قرار دهد.

هند به عنوان یک کشور برای آمریکا حیاتی‌تر از آن است که به عنوان ابزاری علیه کشور دیگر تلقی شود. جمعیت هند به تنهایی باعث می‌شود که این کشور در جهان فوق‌العاده حائز اهمیت باشد و حکومت دموکراتیک هندان را به یک نمونه‌ی شگفت‌تاریخی و مدلی از ارزش‌های دموکراتیکی که آمریکا در سرتاسر جهان از آن‌ها دفاع می‌کند تبدیل می‌نماید. پس موقعیت هند باعث حائز اهمیت بودن آن می‌شود خواه چین به تهدیدی استراتژیک برای آمریکا

تبدیل شود یا نشود. نکته‌ای که وجود دارد این است که اهمیت هند نباید در جایگاهی پایین‌تر از استراتژی تحدید نفوذ چین قرار گیرد. این نکته‌ای است که برخی از طرفداران سیاست جدید آمریکایان را درک می‌کنند و لی دیگران عمدتاً تحت تاثیر تمایل به ضدیت با چین هستند. در هر صورت هر دو گروه با استراتژی جدید آمریکا مبنی بر متوازن کردن قدرت چین موافقت می‌کنند. ولی امکان استفاده از هند در این استراتژی امری نامشخص به نظر می‌رسد (Perkovich, 2005b: 3-5).

بخش چهارم: چشم انداز معامله هسته‌ای آمریکا و هند

در آغاز هزاره جدید، از شراکت استراتژیک آمریکا و هند به عنوان «ظهور پدیده‌ای مسلم» یاد می‌شد ولی بعد از حدود یک دهه از آغاز این شراکت و علی‌رغم امضای معاهده هسته‌ای هند و آمریکا، شراکت استراتژیک دو کشور با وضعیتی راکد روبرو شده است. دکتر کاپیلا (۲۰۰۹) تحلیل‌گر و مشاور امور استراتژیک در گروه تحلیلی مربوط به جنوب آسیا، طی مقاله‌ای تحت عنوان «روابط ایالات متحده-هندوستان: روزهای سخت پیش رو» با تاکید بر تغییر اولویت‌های استراتژیک دولت اوباما به چین و پاکستان، معتقد است که در چشم‌انداز روابط آینده دو کشور روزهای سختی در پیش خواهد بود. از نظر او عملکرد دولت اوباما در صد روز اول نشان دهنده اولویت‌های سیاست خارجی زیر بوده است:

اولویت چین از نظر اقتصادی و استراتژیک در سطح جهانی.

اولویت پاکستان از نظر استراتژیک، سیاسی و نظامی در سطح منطقه‌ای و در جنوب آسیا.

تاثیر مستقیم تغییر اولویت‌های استراتژیک فوق بر هند را می‌توان در موارد زیر برشمرد: آمریکا در محاسبات استراتژیک جهانی و محاسبات استراتژیکی امنیتی آسیا برتری عمده را به چین می‌دهد (و نه هند).

در بافت جنوب آسیا و به منظور همراه کردن حساسیت‌های استراتژیک پاکستان با خود این احتمال وجود دارد که آمریکا باز هم به وارد کردن فشارهای شدید بر هند بپردازد. نقش استراتژیک و مداخله جویانه آمریکا و چین در جنوب آسیا بارزتر خواهد شد که این به زیان امنیت هند است.

از نظر دکتر کاپیلا ممکن است آمریکا برای تغییر موضع استراتژیکش به سمت فرمول «اولویت چین» و «اولویت پاکستان» دلایل بسیار خوبی داشته باشد ولی آنچه که به نظر

می‌رسد آمریکا ازان غافل شده است لطمات جانبی این تغییر موضع بر روابط آمریکا و هند است. چرا که به طور کلی چین و پاکستان به صورت دشمنانی نظامی و با پیشینه تاریخی ماجراجویی نظامی علیه هند، در ضمیر هندوستان نقش بسته‌اند و تغییر اولویت‌های استراتژیک آمریکا به سمت آن‌ها می‌تواند تاثیر منفی بر هند داشته باشد. حتی توجیه این تغییر موضع استراتژیک توسط آمریکا و یا رهبران سیاسی دوستدار آمریکا در هند هم به هیچ وجه نمی‌تواند افکار عمومی هند را در رابطه با این تغییر موضع آمریکا به سمت دشمنان هند متقاعد سازد. در واقع اگر آمریکا از حساسیت‌های استراتژیک هند غافل بماند این احتمال وجود دارد که روابط هند و آمریکا از وضع راکد موجود هم بدتر شود.

کاپیلا ضمن اشاره به تمایل متناوب آمریکا به اینکه در سیاست خارجی خود اولویت را به چین و پاکستان بدهد معتقد است که چنین چیزی در دولت‌های حزب دموکرات به نسبت مشخص‌تر است و می‌تواند باعث شود که روابط آمریکا و هند پیوسته با چالش روبرو باشد. ولی در مقابل این تغییر موضع، وی تاکید می‌کند که از نظر سیاسی هیچ نخست‌وزیری در هند فضای سیاسی لازم را برای پذیرفتن یا تطبیق دادن خود با اولویت‌های استراتژیک تغییر یافته آمریکا نخواهد داشت و آمریکا نباید تصور کند که می‌تواند هند را هم مانند پاکستان و افغانستان تهدید کند یا تحت فشار قرار دهد؛ چرا که ثبات سیاسی پایدار و عناصر ملی قدرت هند پویایی و استقلال بیشتری را به سیاست خارجی این کشور می‌بخشد؛ لذا تلاش‌های آمریکا برای تحت فشار قرار دادن هند در مسائل جنجال برانگیزی مانند زرادخانه هسته‌ای این کشور، امضای NPT و همینطور تعیین شروط بیشتر برای همکاری هسته‌ای غیر نظامی این کشور با آمریکا نتیجه‌ی معکوس در بر داشته با مقاومت شدید هند روبرو خواهد شد.

از میان مسائل پیش گفته، دکتر کاپیلا در رابطه با همکاری هسته‌ای غیر نظامی آمریکا و هند در دوره‌ی اوباما استدلال می‌کند که علی‌رغم قطعی شدن معامله هسته‌ای آمریکا و هند، همکاری هسته‌ای غیر نظامی این دو کشور هنوز موفق نبوده است و در زمان زمامداری حزب دموکرات در آمریکا احتمالاً فشارهایی در جهت افزودن شروط بیشتری بهمان وارد خواهد شد که البته هند هم به شدت در مقابل این فشارها مقاومت خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

معامله هسته‌ای آمریکا و هند نقطه عطفی در روابط دو کشور به حساب می‌آید و روابط

آن‌ها را پس از بیش از ۳۰ سال تیرگی وارد فصل تازه‌ای از همکاری‌های استراتژیک کرده است. البته این معامله هم مانند هر معامله یا توافقنامه دیگری متضمن فرصت‌ها و چالش‌های مختلفی است. در خصوص فرصت‌ها و مزایای آن می‌توان به همکاری دو کشور در تقابل با خیزش چین به عنوان یک قدرت نوظهور آسیایی که می‌تواند موجب تغییر در معادله قدرت در آسیا شود، مقابله با گسترش تروریسم در آسیا به عنوان فصل مشترک تهدیدات امنیتی دو کشور در فضای پس از ۱۱ سپتامبر و اولویت قرار گرفتن هند در جهت تامین منافع آمریکا در جنوب آسیا و همچنین به فرصت‌های اقتصادی اشاره کرد. در مقابل این فرصت‌ها معامله مزبور با چالش‌های مختلفی هم روبرو بوده است. از جمله لطمه زدن به تلاش‌های آمریکا در جهت تحدید قدرت چین، اثرات منفی بر کشورهای دیگر و ترغیب آن‌ها به دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، ایجاد خطرانی در رابطه با تکثیر سلاح‌های هسته‌ای از جمله خطر مسابقه تسلیحاتی در آسیا و در نتیجه لطمه زدن به منافع آمریکا.

شاید اگر فقط این معامله را از جهت فرصت‌ها و چالش‌های آن مورد توجه قرار دهیم تشخیص اینکه آیا واقعا ارزش منعقد شدن را داشته یا نه دشوار باشد ولی وقتی به همکاری هسته‌ای این دو کشور در صحنه نظام بین‌الملل و دنیای در حال تغییر امروز نگاه می‌کنیم به ارزشان بهتر پی می‌بریم. در نظام بین‌الملل حال حاضر برای حل و فصل مسائل کلیدی بین‌المللی و مقابله با چالش‌های جهانی فقط اقدام یک ابرقدرت کافی نیست بلکه نوعی ائتلاف با سایر قدرت‌های منطقه‌ای نیز همواره ضرورت دارد. از این منظر آمریکا هم علی‌رغم ابرقدرت و هژمون بودن با محدودیت‌ها و نارسایی‌هایی روبروست که آن را ناگزیر از همکاری با قدرت‌های سطح دوم نظام معاصر همچون هند می‌نماید.

به عبارت دیگر نوعی گریز ناپذیری از همکاری با هند به عنوان قدرت منطقه‌ای حوزه جنوب آسیا به منظور تامین منافع آمریکا در این منطقه و حتی کل قاره آسیا، همکاری آمریکا و هند را به رغم هزینه‌های آن ارزشمند می‌سازد. ولی بررسی جریان اخیر در اولویت‌های سیاسی- استراتژیک آمریکا در دوره‌ی اوباما که همراه با قائل شدن وزن زیادی برای چین و پاکستان است نشانگر این است که در صورت عدم تعدیل این جریان احتمالا در چشم انداز روابط آینده آمریکا و هند و به تبع آن در چشم انداز آینده همکاری‌های هسته‌ای غیر نظامی دو کشور روزهای سختی در پیش خواهد بود.

منابع

- افگیل، ارتان و موسادلو، نزیها (۱۳۸۸) یک نظام چند قطبی و روابط بی ثبات، مترجم: سید رضی عمادی.
Available at: <http://bashgah.net/pages-36155.html>
- دهشیار، حسین (۱۳۸۲) سیاست خارجی آمریکا در آسیا، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- شفیعی، نوذر (۱۳۸۵) همکاری‌های هسته‌ای غیر نظامی هند و آمریکا: علل و پیامدها، فصلنامه سیاست دفاعی، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
شفیعی، نوذر (۱۳۸۷) زمینه‌های همکاری هسته‌ای هند و آمریکا (قسمت دوم).
Available at: <http://drshafie.ir/post-3.aspx>
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۸) آیا آمریکا برای یک جهان پسا آمریکایی آماده است؟ مترجم: ارش فرح زادی.
Available at: http://strategicreview.blogspot.com/2009_01_22_archive.html
- کلرهارتز، مرل د. (۱۳۸۸) به گفته‌ی دیپلمات آمریکایی در جنوب آسیا چالش‌ها و امکانات توأم است.
Available at: <http://www.america.gov/st/peacesec-persian/2008/May20080612111638/dmslahrellek7.024783e-02.html>
- ملاحی، (۱۳۸۷) چشم انداز قرارداد هسته‌ای هند و آمریکا: چالش‌ها و پیامدها.
Available at: <http://iribnews.ir/UserFiles/File/آبانI.335.pdf>
- هاس، ریچارد (۱۳۸۸) عصر بی قطبی، مترجم: سید رضی عمادی.
Available at: <http://bashgah.net/pages-18741.html>
- Al Baradei, M. (2006) Briefing Paper on the US-India Civil Nuclear Cooperation Agreement and Its Legislative Implementation.
Available at: http://www.uschamber.com/NR/rdonlyres/.../cpi_media_briefingpaper.pdf
- Feigenbaum, E. (2009) India and the US in a Changing World, US & South Asia Seminar Report, No. 293, June 9.
Available at: http://www.ipcs.org/seminar_details.php?recNo=483&cID=10
- Kapila, S. (2009) United States-India Relations: Testing Times Ahead, South Asia Analysis Group, No. 3188, May 13.
Available at: <http://www.southasiaanalysis.org/%5Cpapers32%5Cpaper3188.html>
- Kronstadt, K.A. (2009) India-US Relations, United States Congressional Research Service (CRS), No. RL33529.
Available at: <http://www.fas.org/sgp/crs/row/RL33529.pdf>
- Levi, M.A. & Ferguson, C.D. (2006) US-India Nuclear Cooperation: A Strategy for Moving Forward, CSR, No. 16.
- Lind, M. (2008) A Concert-Balance Strategy for a Multipolar World.
Available at: www.carlisle.army.mil/usawc/parameters/08autumn/lind.pdf
- Narayanan, R. (2007) US-India Strategic Partnership: Where Is It Headed? New Delhi: Presentation Made at the India International Center on January 16.

- Available at: <http://www.usindiafriendship.net/viewpoints1/ram012007.html>
- Ntoubandi, F.Z. (2008) Reflections on the USA-India Atomic Energy Cooperation, *Journal of Conflict & Security Law*, Vol.13, No.2.
- Pan, E. (2006) *The US-India Nuclear Deal*, Council on Foreign Relations Publications.
Available at: <http://www.cfr.org/publication/9663/usindia-nuclear-deal.html>.
- Perkovich, G. (2005a) A Realist Case for Conditioning the U.S.-India Nuclear Deal, Washington DC: Presentation before an NPEC Seminar.
Available at: <http://www.carnegieendowment.org/publications/index.cfm?fa=print&id=18371>
- Perkovich, G. (2005b) *Faulty Promises: The US-India Nuclear Deal*, Carnegie Endowment for International Peace.
Available at: <http://www.carnegieendowment.org/files/po21.perkovich.pdf>
- Raman, J.S. (2009) The US-India Nuclear Deal—one year later, *Bulletin of the Atomic Scientists*.
Available at: <http://www.thebulletin.org/web-edition/features/the-us-india-nuclear-deal-one-year-later>
- Schaffer, T. (2006) *The US-India Nuclear Deal: The Right Approach?* Council on Foreign Relations.
Available at: <http://www.cfr.org/publication/10731/usindia-nuclear-deal.html>.
- Singh, B.K. (2007) *Beyond the Nuclear Deal: India, China and the Asian Balance of Power*, Indian Defence Accounts Service.
Available at: http://www.ipcs.org/article_details.php?articleNo=2343